

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان

سال دوم، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۵

آثار جهانی گرایی بر زنان

نویسنده: مریم آخوندی*

چکیده

این مقاله سعی دارد به بررسی آثار و پدیده های جهان گرایی بر روی زنان بپردازد و به طور ویژه اضطراب ناشی از جهانی گرایی و جهانی سازی را بر روی زنان بررسی کند.

در ادامه همچنین دو نمونه از کارهای جهانی سازان یعنی قاچاق زنان و محو شخصیت و کرامت انسانی نیز با این دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته و راهکار دین به خصوص دین اسلام نیز برای رویارویی با این مسئله بیان شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی

اضطراب، جهانی شدن، جهانی گرایی، اضطراب فرهنگی و اضطراب معنایی

مقدمه

با تولد مدرنیته، بشر انتظار حضور تغییرات و خواسته‌ها و ناخواسته‌هایی را می‌کشید که زندگی او را متحول می‌ساخت و او را از حصار آهنینی که به دور خود کشیده بود، خارج می‌کرد و در تعامل با انسانهای دیگر قرار می‌داد. مدرنیته دوره‌نوسازی و تغییر ایده‌ها و ارزشهایی تلقی می‌شد که حاوی مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، نهادها و تکنولوژیها، اعمال و سیاستهای اروپایی بود که منجر به ورود به ساختار جدید اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌شد. اگر چه تاریخ مشخصی برای ظهور مدرنیته مشخص نشده است و از اوایل قرن شانزدهم تا اواسط قرن نوزدهم را می‌توان آغاز مدرنیته دانست؛ اما شکل‌گیری مولفه‌های تشکیل دهنده مدرنیته مانند صنعتی شدن، شهرنشینی و مردم‌سالارانه شدن فرآیندهای سیاسی زمینه‌ساز برای ایجاد پدیده جهانی شدن در این دوره فراهم ساخت.

آنتونی گیدنز معتقد است که مدرنیته ذاتاً جهانی‌ساز است و ویژگیهای ذاتی توسعه طلبانه مدرنیته باعث گسترش جهانی آن شده است. بنابراین جهانی شدن را می‌توان پیامد مدرنیته دانست، زیرا مدرنیته از نظر گیدنز دارای نوعی ناپیوستگی است که با دوران پیشامدرن کاملاً متفاوت است و هم‌چنین مفاهیم زمانی و مکانی نیز معانی قدیم خود را کاملاً از دست می‌دهند و موقعیتهای محلی بیش از آنکه وهم‌آمیز باشند از ساکنانی غایب و به همان اندازه حاضر تشکیل شده‌اند. (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۷۹)

هم چنین تخصصی شدن امور، نیاز افراد را به یکدیگر بیشتر می کند و باعث وابستگی به یکدیگر می شود و روابط را تشدید کرده و فاصله ها را افزایش می دهد و این چنین جهانی شدن، پیامد مدرنیته تلقی می شود.

حال با عنایت به مسئله فوق، زمانی که بشر به علت این وابستگیهای اجباری با مردمان سایر نواحی جغرافیایی و امکانات و فرصتها و ذهنیتهای آنها آشنا می شود، ذهنیت بسته خود را گسترش داده و جهانی می نگرد؛ ولی آیا این جهانی نگریستن همواره می تواند عاملی برای پیشرفت و فرار از محرومیت ها باشد، یا عوارضی نیز برای فرد و بویژه برای زنان که آسیب پذیری زیادی دارند ایجاد می کند؟

نکته قابل تامل این است که قدرت نامتوازی در مدرنیته جهانی که تحت تاثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات به یک مدرنیته تند تبدیل شده است، وجود دارد که همواره مورد نقد اندیشمندان قرار گرفته است، زیرا صحنه گردانان جهانی سازی معتقدند که مدرنیته از نظر تاریخی از غرب سرچشمه گرفته و این امر باعث سلطه سیاسی، اقتصادی غرب بر جهان می شود و این سلطه به نوبه خود گفتمانی را شکل می دهد که غرب با تکیه بر آن برای تحول فرهنگی و نحوه زندگی خاص خود، اعتباری جهان شمول قائل می شود. (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۹۴)

اما در این چالش قدرت، بیشترین آسیب را کسانی متحمل می شوند که تحت استعمار و استثمار قرار گرفته اند و در زیر یوغ سرمایه داری، ارزشها و عقاید و فرهنگ آنها دستخوش آسیب و دگرگونی شده است و شاید در میان گروه های اجتماعی، زنان به علت برعهده گرفتن نقشهای حساسی چون مادری و همسری که کانون اصلی خانواده را تشکیل می دهد و به تبع خانواده، محور اصلی تشکیل

جامعه و عامل بقا یا نابودی آن می شود، از آسیب پذیری بیشتری برخوردار باشند.

بنابراین زنان و بویژه زنان مسلمان علاوه بر اینکه بیشتر از سایر افراد در این پروژه هدایت شده تحت هجوم فرهنگی و غربی قرار می گیرند، بیش از پیش تحت تاثیر هجوم ارزشهای غربی و جهان گرایی ذهنی، ناآگاهانه مورد سوء استفاده های جنسی و تجاری و... نیز واقع می شوند که با عقاید اسلامی آنها در تعارض کامل قرار می گیرد و همین امر می تواند باعث ایجاد پیامدها و عوارض جدی جبران ناپذیری چون تشویش، دوگانگی، اضطراب، افسردگی، تهی شدن از هویت و بی هویتی برای زنان می شود.

پس از ظهور جدی پدیده جهانی شدن، اندیشمندان و صاحبان فکر، توجه خود را به بعد فیزیکی و شکل بندی این پدیده معطوف کردند و ذهنیت جهانی شده را فرصتی مفید و مناسب برای طرح و ایجاد فرصتهای برابر، استقلال مالی زنان و داشتن حقوق مساوی با مردان در مشاغل دانستند؛ اما در آینده ای نزدیک چون پرده از نقاب پروژه جهانی سازی برداشته شد، آنچه در کانون توجه قرار گرفت، سوء استفاده های جنسی، قاچاق زنان و بردگی آنان بود که در قالب ارزشهای زیبای غربی و جهانی اندیشمندان بشر رخ می نمود.

اما این مقاله سعی دارد به پیامد منفی دیگری از جهان گرایی با تأکید بر مسئله زنان پردازد. حضور اضطرابها و افسردگیهای مداوم در برخورد با این پدیده پیامدی است که می توان آن را در هر بعدی از ابعاد این پروژه دید.

اینکه اضطراب ناشی از جهانی نگری چیست؟ به چه علت جهانی نگری می تواند عاملی برای ایجاد اضطراب باشد و به طور نمونه قاچاق زنان و محو

کرامت انسانی آنها عوارضی را برای آنها با این زاویه دید به دنبال خواهد داشت؟ آیا راهکاری برای مقابله با این مسئله وجود دارد یا خیر؟

برای بررسی مفهوم اضطراب در ذهنیت جهانی شده و تاثیر مخرب آن بر روی زنان، ابتدا باید به بررسی مفاهیمی چون اضطراب و عناصر مفهومی آن، پدیده جهان گرایی و ویژگیهای آن پردازیم.

اضطراب چیست؟

مفهوم اضطراب یک مفهوم میان رشته ای، چند بعدی، نسبی و چند عاملی است. بحث اضطراب ابتدا در حوزه مطالعات روان شناسی و روان پزشکی مطرح شده و سپس در سایر حوزه های علوم توسعه پیدا کرد. از طرفی اگر چه با تولد انسان اضطراب آغاز می شود و همواره در همه عرصه های زندگی همراه و قرین فرد و جامعه بوده است، ولی به دلیل عوامل بیرونی، شدت، وسعت، نوع و کیفیت آن می توان گفت اضطراب به عنوان یک پدیده شایع، معلول زندگی صنعتی و تکنولوژی امروز است.

اضطراب از چهار عنصر مفهومی فشار، تنش، تشویش و ریسک تشکیل می شود. فشار زمانی بر فرد و جامعه وارد می شود که فرد یا جامعه در تنگنای بدون برون رفت قرار گیرد؛

تنگنایی که فرد انتخاب بعدی نداشته باشد. ضربه های غیر مترقبه و غیر پیش بینی نشده نیز باعث ایجاد تنش برای فرد می شود و زمانی که فرد در حال تردید، غیر منتهی به تصمیم یا سئوالات و خواسته های بی پاسخ قرار می گیرد، دچار تشویش می شود و ریسک به حالت احتمال خطر و حالت قبل از مواجهه با خطر گفته می شود. (عاملی، ۱۳۸۵)

در پدیده جهانی گرایی انواع اضطراب فرهنگی، اضطراب سیاسی، اضطراب اقتصادی و اضطراب معنایی قابل مشاهده است که می تواند اثرات مخربی را با خود به همراه آورد.

جهانی شدن چیست؟

اگر چه پدیده جهانی شدن دارای سابقه ای بسیار طولانی است، هنوز پدیده‌ای متأخر محسوب می شود و هر روز جدیدتر و تازه تر شود و توجه خاصی به آن مبذول می شود و همین مسئله باعث ایجاد چالشهای جدی در تعریف این پدیده شده است.

اگر چه جوهر اصلی جهانی شدن، اقتصادی است و در تعریفی جهانی شدن را می توان ادامه حرکت نظام سرمایه داری و کاپیتالیستی غرب دید، اما گیدنز بر چند بعدی بودن جهانی شدن تأکید دارد؛ او معتقد است که اشتباه است که جهانی شدن را فقط به روند های اقتصادی مرتبط کنیم... جهانی شدن از یک ذات سیاسی، تکنولوژی، فرهنگی و اقتصادی برخوردار است. (عاملی، ۱۳۸۵)

چند بعدی و چند گانه بودن پدیده جهانی شدن می گوید: «جهانی شدن الگوی فعالیتهای مختلف بشری به سوی فراقاره ای و بین منطقه ای شدن در حرکت است.» (رادهی: ۱۸۲: ۱۳۸۲)

کاستلز نیز جهانی شدن را نوعی جامعه شبکه‌ای می داند که در ادامه حرکت نظام سرمایه داری پهنه اقتصادی جامعه و فرهنگ را در بر می گیرد. وی معتقد است که «در عصر جهانی شدن، زمان و مکان دارای معانی جدید و متفاوت از معانی پیشین خود می باشند. انتقال آنی اطلاعات و داده ها و سرمایه ها و ارکان ارتباط همزمان میان افراد در نقاط مختلف، عملاً فواصل زمانی را از میان برداشته و نظم طبیعی دوران قدیم یا چارچوب مکانیکی جهان صنعتی را به طور کلی

دگرگون ساخته است. مکان نیز به نوبه خود با مفهوم دسترسی یا عدم دسترسی به اطلاعات و ابزار انتقال و پردازش ارتباط پیدا کرده و به این اعتبار حضور در مکان، معنای تازه ای به خود گرفته است که می تواند تعیین کننده ارتباط و اتصال شخص به جامعه شبکه ای یا طرد و حذف او از این مکان فراگیر و در عین حال انحصاری به شمار آید. (کاستلز: ۱۸۱۳۸۰)

و به طور کلی با در نظر داشتن تمام ابعاد این پدیده، با مروری بر مجموعه تعریف جهانی شدن، می توانیم مفاهیم بنیادی فشرده‌گی زمان و مکان، شبکه ای شدن، یکپارچگی سیستم، وابستگی عمومی، تشدید آگاهی جهانی و دسترسی به تولیدات فرهنگی سایر ملتها و فرهنگها و تبدیل به دهکده جهانی مک لوهان را در آن دید.

البته پیامدهای جهانی شدن را نمی توان تنها در پیوستگی و اتصال ملتها و فرهنگها و قومها و نزدیکی آنها و همزیستی مسالمت آمیز دانست؛ شاید یکی از پیامدهای اصلی این پدیده جهان گرایی باشد که در تضاد و تقابل کامل با بومی نگری و محلی نگری قرار می گیرد و می تواند خطرات جبران ناپذیری را به دنبال داشته باشد.

جهان گرایی بیان کننده نگرشی است که اگر چه ریشه های کهنی دارد ولی به لحاظ کیفیت تأثیر آن در زندگی روزمره و وسعت و تأثیر ذهنی که بر روی افراد جامعه می گذارد، نگرشی جدید تلقی می شود که منشأ ظهور اندیشه نوینی در عرصه تاریخ خواهد شد. جهانی نگری در مقابل بومی نگری و محلی نگری مطرح می شود و از نظر رابرتسون (۱۹۹۲) جهان گرایی برخاسته از توسعه دید و آگاهی است که انسان امروز از جهان پیدا کرده است و در واقع جهان را به عنوان یک فضای واحد یا یکپارچه می بیند. (عاملی: ۱۳۸۵)

جهان گرایی برخاسته از توسعه دید و آگاهی است که انسان امروز از جهان پیدا کرده است و جهان را یک فضای واحد یا یکپارچه می بیند.

تمام آنچه ذکر شد به پدیده پیچیده بر می گردد، اما پشت پرده جهانی شدن و عمق این مفهوم را می توان در تعبیر بسیاری از متفکران معاصر از جهانی شدن به عنوان یک « زلزله ژئوپولتیک » (رابرتسون، ۱۹۹۲)، « بحران فرهنگی و اجتماعی » (تاملینسون، ۱۹۹۹)، « پایان تاریخ » (فوکویاما، ۱۹۹۱)، « گم کردن بنیادین جهت » (ویرلیو، ۲۰۰۱)، « جهان رها شده » (کپدنز، ۱۹۹۹)، جامعه در حال بن بست « (بومن، ۲۰۰۲) و بالاخره « اضطراب بزرگ » (زوبوف، ۲۰۰۱) یافت. (عاملی، ۱۳۸۵)

در واقع تعبیر ذکر شده، زمانی معنای کامل خود را پیدا می کند که چهره دیگر جهانی شدن، یعنی جهانی سازی را نیز بشناسیم.

« جهانی سازی تداوم حرکت سرمایه داری است که پس از پایان جنگ سرد، رویای تسلط بر عالم را در سر می پروراند. » (کاستلز، ۱۳۰: ۱۳۸۰)

جهانی سازی را بر خلاف روند و فرآیند طبیعی جهانی شدن می توان پروژه ای عظیم و هدایت شده دید که همواره با طرحی برنامه ریزی شده، سودای تسلط بر عالم را در سر پرورانده است. که در وجه عظیم خود هویت، فرهنگ، منابع و امکانات کشورهای جهان سوم را نشانه رفته است.

بنابراین پروژه جهانی سازی نوعی همگن سازی و یکسان سازی و جهان شمولی تحمیلی و اجباری را تعقیب می کند و فوکویاما در نظریه پایان تاریخ، تمدن غربی را به علت توانمندی در ارائه نظامهای کارآمد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بی رقیب، شارح و بنیان گذار و البته هدایتگر و رهبر این پروژه می داند. (دعشیار، ۱۳۷۹: ۳۸)

پیامدهای جهان گرایی و علل اضطراب

فرامحلی شدن دیدگاه ها و تکرشها و ارزشها

نگاه جهانی پیدا کردن به دنبال عرضه گسترده اطلاعات و سخت افزارها و نرم افزارهای جهانی ارتباطات، علاوه بر اینکه موجب پیوند میان صاحبان اندیشه و فکر می شود، آگاهی فرامحلی و فراملی را نیز افزایش می دهد. ذهنیت افراد دیگر در محیط بسته زندگی محدود نمی شود. معیار و ملاک ارزیابی امکانات و ارزشها و فرهنگها و بایدها و نبایدها و انتخابها محدود به فرصتهای بومی و محلی نمی شود و بر اساس ملاکهای جهانی صورت می گیرد.

فرامحلی شدن حوزه شناختی انسان، می تواند باعث تضعیف حس و روحیه محلی شود و باعث گسستگی و جدایی و شکاف با عناصر بومی و شهروندی محلی گردد و رابطه فرد را با نوستالژی هویتی و فرهنگی خود قطع می کند و گرایشات دورگه را در جماعتهای محلی ایجاد می کند و همین توسعه نسبیّت گرایی و قرار گرفتن انسان در اقیانوسی از باورها و اعتقادات و ادیان و فرهنگها باعث ایجاد تشویش در فرد می شود و از طرفی به قول ویرلیو (۲۰۰۱) لیبرال شدن اجتماعی، منشأ ایجاد نوعی نسبیّت گرایی و گم کردن جهت می شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

توسعه جامعه چند محوری و چند فرهنگی

باشبکه‌ای شدن جهان و فشرده شدن زمان و مکان و کمرنگ شدن مرزهای محسوس و عینی جغرافیایی، فضای نمادین شکل می گیرد که ذهنیت افراد ملاک آن است. دیگر فرهنگها و ارزشها محدود به مرزهای بومی خود نمی شوند و از کانالهای متعدد و متنوع وارد سایر فرهنگها می شوند. مهاجرت عظیم ارزشها و اندیشه‌های بومی ملت‌ها به نقاط مختلف جهان صورت می گیرد و ناخودآگاه جامعه‌ای با تنوع فرهنگی شکل می گیرد.

اگر چه جهان گرایی باعث از بین رفتن تک محوری فرهنگی و جایگزین شدن نگاه چند فرهنگی می شود، اما تئوری جهان مرکزی اروپایی و آمریکایی را نمی تواند تضعیف کند. اگر چه جبر همزیستی چند فرهنگی در جوامع به وجود می آید ولی باز هم، فرهنگی امکان غلبه پیدا می کند که قدرت بیشتری در این پدیده داشته باشد. در ایجاد پروژه جهانی سازی خود را به نمایش می گذارد و حضور قدرت و دولتی که اصطلاحاً نظم نوین جهانی را در دست دارد و با قدرت برتر ارتباطی، سعی در شکل دهی به تمام جنبه های جهان می کند. همانطور که فوکویاما در نظریه پایان تاریخ خود به قابلیتها و ظرفیتهای بی رقیب غرب تکیه می کند و مشروعیت و برتری الگوها و اندیشهها و برداشتهای سیاسی و اجتماعی غرب در نقاط مختلف را به نمایش می گذارد. در واقع زمانی که فوکویاما از پایان تاریخ سخن می گوید بر این مسئله تاکید می کند که مردم سایر کشورهای غیر غربی در رسیدن به ایده آل خود به بن بست رسیده اند و اکنون به دنبال جایگزینی به ارزشهای غربی روی آورده اند. (دمشیار: ۱۳۷۹، ۳۸)

حضور مهاجرتهای معنوی^۱ و ایجاد جامعه چند فرهنگی با غلبه و برتری ارزشهای کنترل شده غربی که باعث ایجاد تقابل با فرهنگ و هویت غنی اسلامی می شود و عدم تجانس اجتماعی را ایجاد کند؛ می تواند عاملی دیگر در جهت اضطراب زایی جامعه باشد که منجر به ایجاد هویتهای دورگه، نامعین و سرگردان می شود.

پدیده قاچاق زنان و مهاجرتهای بی رویه زنان که در عصر حاضر سرعت فزاینده ای به خود گرفته است و به پیروی از آن، محو شخصیت و کرامت انسانی زنان می تواند نمونه های ملموس و محسوس و عینی باشد که به دنبال فرامحلی

۱- مهاجرتهای معنوی به انتقال ارزشها و هنجارها و عقاید از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر گفته می شود.

شدن آگاهیها و توسعه ارتباطات و اطلاعات ایجاد گشته و خطرهای آسیبهایی فراوانی را برای زنان و بخصوص زنان مسلمان به دنبال دارد و زمانی از اهمیت قابل توجهی برخوردار می شود که ما ردپای اضطرابهای متنوع و متعددی را بر زندگی و شخصیت آنها شاهد باشیم

محو شخصیت و کرامت انسانی زنان

اضطراب فرهنگی ناشی از جهان گرایی و جهان شمولی اهمیت ویژه ای در میان سایر اضطرابها دارد. حضور آموزه های غیر ارادی در کل ساختار اجتماعی و گونه های متعدد و متنوع فرهنگ و ارزشها که امکان و بعد انتخاب را فزاینده و جهانی می سازد و وجود تناقض و عدم توازن در تمام ابعاد زندگی انسانی و حتی حوزه خصوصی افراد، می تواند منشا بروز اضطراب فرهنگی و به دنبال آن اضطراب اجتماعی شود و کدخدایان جهانی سازی بیشترین سرمایه را متوجه بعد فرهنگی کرده اند و آنچه با نام آزادی زنان مطرح می سازند، در همین جهت طرح ریزی می شود تا بتواند از راه تقابل جهان نگری و بومی نگری و جذابیتها و زیباییهای ویژه ای که برای سطحی نگران بسیار رنگین جلوه می کند، ذلت را در میان زنان مسلمان رواج داده و نتیجه به قول ویرلیو این می شود که جهان واقعی فرد، در جهانهای تصویری گم می شود و فرد از این میان، راه و جهت خود را نمی تواند پیدا کند. اما همواره این سؤال می تواند مطرح باشد که چرا بیشترین سرمایه بر روی زنان معطوف شده است؛ در حالی که بهره کشی اقتصادی و تهاجم فرهنگی بر روی جوانان و نوجوانان می تواند راهکار سریع تری برای رسیدن به هدف باشد؟ پاسخ این سؤال به اهمیت بنیان خانواده برمی گردد. زن محور و ریشه و رکن اصلی کانون خانواده را تشکیل می دهد و خانواده هم می تواند نقطه آغازین هر صلاح و فساد باشد و اجتماع هم از ترکیب همین

خانواده‌ها پدید می‌آید. به همین دلیل اسلام هم بیشترین توجه را به خانواده معطوف داشته است. همانطور که پیامبر اکرم (ص) هم فرموده اند: «در اسلام هیچ بنایی نزد خداوند محبوب تر از تشکیل خانواده نیست.» و مهم‌تر از همه، جامعه پذیری و فرهنگ سازی هم از همین گروه‌های کوچک آغاز می‌شود و در جامعه انتشار پیدا می‌کند.

پس بسیار واضح و روشن است که کدخدایان جهانی سازی، کالایی ساختن و ابزاری کردن زن را در قالب زیبای آزادی، بیان می‌کنند و بسیار آسان شخصیت زن را عریان کرده و او را در معرض دید شکارچیان بوالهوس قرار می‌دهند و هویت و شخصیت انسانی زن را محو و ناپدید می‌کنند و به یک ابزار اقتصادی و مادی تبدیل می‌کنند و به این ترتیب جامعه را به سوی فساد رهنمون می‌شوند. اما این خطر برای زنان مسلمان می‌تواند بسیار جدی تر باشد. زنان مسلمان از سویی با آموزه‌های دینی و از سویی دیگر با واقعی ساختن مجاز روبرو می‌شوند که باعث ایجاد اضطراب ذهنی در فرد می‌شود که تنها محدود به او نمی‌شود؛ این بی‌قراری، بی‌نظمی و تشویش ذهنی به طور تدریجی عمومیت پیدا می‌کند و در سطحی وسیع‌تر، جامعه را نیز دچار تشویش می‌سازد.

رتال جامع علوم انسانی

قاچاق زنان، بردگی مدرن

شاید در وهله اول به نظر می‌رسد که پیوستگی جهانی می‌تواند امری مفید و مثبت و سودمند باشد؛ چرا که امکانات و منابع در اختیار همگان قرار گرفته و امکان دسترسی عمومی فراهم می‌شود؛ ولی این موضوع زمانی می‌تواند درست باشد و ما را به ایده آل برساند که «برابری» جزء اصولی باشد که در این پدیده رعایت می‌شود و ویژگی طبیعی و فرآیندی و پروسه‌ای جای خود را به پروژه

بودن ندهد. اما اگر از تمام ویژگیهای مثبت و منفی جهانی شدن بگذریم، آنچه امروزه با نام جهانی شدن به بشر خورانده می شود، حاکمیت سرمایه داری است که تحت عنوان جهانی سازی مطرح می شود.

همانطور که در قسمتهای قبل مطرح شد توسعه تنوع جهانی فرهنگها و تغییرات سریع و گسترده روزانه و توسعه قدرت انتخاب که در محدوده و شرایط بسته بومی و محلی و سنتی فرد قرار نمی گیرد از ویژگیهای اجتناب ناپذیر جهان گرایی است که با ظهور صنعت همزمان ارتباطات، سرعت و شتاب بیشتری به خود می گیرد و حضور عناصر غیر بومی و فراملی در عرصه بومی به صورت انفجاری توسعه می یابد و این انفجار منشأ توسعه ریسک در عرصه بومی و جهانی می شود. حضور عناصر غیر بومی در فرهنگ بومی و داخلی هر فرد، باعث ایجاد امکانات و توقعات ناخواسته ای هم می شود که از مقایسه با امکانات جهانی به دست می آید و خود را در عرصه زندگی روزمره، کار، دانشگاه، حقوق شهروندی، سیاسی و... به نمایش می گذارد و افزایش احساس انتظارات و تقاضاهای بی پاسخ در محیط بومی و پذیرش غیر عقلانی و احساسی عرضه های جهانی و فراملی، اضطرابها و تشویشها و دودلیهایی را در قلمروهای مختلف به وجود می آورد که منجر به اعمالی چون قاچاق زنان می شود که نتیجه ای جز پشیمانی به دنبال خود ندارد.

قاچاق زنان، سومین تجارت بزرگ بعد از قاچاق اسلحه و دارو، انتقال غیر قانونی و مخفیانه اشخاص است که به طور عمده از سوی کشورهای در حال توسعه و با هدف نهایی واداشتن زنان و دختران به وضعیتهای بهره کشانه و ستمگرانه از لحاظ جنسی و اقتصادی به منظور سودرسانی به کارگیرندگان، قاچاقچیان و سندیکاها و جنایتکار صورت می گیرد.

زنان زیادی سعی کرده اند و سعی می کنند از این کانال برای رسیدن به وضعیت ایده ال و دست یابی به تساوی، با واقعیت یا چیزی خلاف آن مواجه شده اند و می شوند. در این پدیده آنان همواره مورد سوء استفاده های تجاری و جنسی قرار می گیرند و مجبور می شوند در کارهایی غیر حرفه ای و ماهرانه بدون پوشش قوانین کاری به فعالیت پردازند و دچار آسیب های فراوان روحی و جسمی نیز می شوند و نتیجه پذیرش غیر عقلانی عرضه های جهانی و فراملی را در احساس پوچی و بیهودگی و سرخوردگی می یابند.

هم چنین زنان را به چنین اسارتی در آوردن، مستلزم استفاده از خشونت غیر قابل توصیف است. خشونت که منجر به بی هویتی زن شده تا بتواند او را تحت نفوذ هویت کارفرما قرار دهد. این زنان بعد از گذراندن یک دوره سراسر خشن و غیرانسانی، دیگر حتی به فکر فرار هم نمی افتند و مطابق خواسته های کارفرمای خود تا زمانی که توان سوددهی دارند، بدون هیچ توقعی به ابزار دست آنها تبدیل می شوند.

این بردگی هزاره سوم و جهان به ظاهر متمدن در بدو امر، آنقدر خود را زیبا و جذاب بخصوص برای کشورهای در حال توسعه و فقیر به نمایش می گذارد که انسانهای ظاهر دوست و مادی گرا و تهی از هرگونه ارزشهای زیبای انسانی و معنوی که جهت زندگی خود را گم کرده اند، به آسانی این ریسک ناشی از حضور عناصر بیگانه را در عرصه بومی و جهانی پذیرا می شوند و به یک وسیله بهره وری تمایلات حیوانی تبدیل می شوند؛ به طوری که بر اساس آمار سازمان ملل متحد « در دنیا ۳۰۰ میلیون زن در تجارت سکس کار می کنند و سالانه ۱ میلیون زن و دختر به این تجارت وارد می شوند که البته خاورمیانه هم از این مقوله مستثنی نیست. گزارش سال ۲۰۰۵ نشان می دهد که از میان ۶۰۰ تا ۸۰۰

هزار انسان که از مرزها به صورت قاچاقی عبور کرده اند، ۸۰ درصد زنان و دختران بوده اند و طبق تخمین‌های به عمل آمده ۲/۴۵ میلیون نفر قاچاق می‌شوند.^۱

و این پیامدهای ناعادلانه برای کشورهای جهان سوم می‌تواند صحنه‌ای بر پروژۀ بودن «جهانی سازی» بگذارد و البته این هشدار را هم می‌دهد که با افزایش آگاهی و هوشیاری در عرصه ملی و بین‌المللی و تحکیم هویت و فرنگ ملی و دینی باید نوعی همبستگی و وحدت اجتماعی را برای مبارزه با رهاورد تشویش جهانی سازی انجام داد.

دین مأمنی برای خروج از جهان گرایی مادی

گسترش روز افزون صنعت، فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی، مصرف گرایی و مادی گرایی، باعث ایجاد دوره جدیدی به نام عصر سکولار شده است که با جدایی دین از سیاست شروع شده و بتدریج به سمت محو دین پیش می‌رود و همه چیز رنگ و بوی مادی و تجاری و ابزاری می‌گیرد. در این عصر، اضطراب معنایی می‌تواند مهم‌ترین نگرانی بشر امروزی تلقی شود که بر تمام جنبه‌های زندگی او سایه افکننده است. در جهان گرایی مادی که خدا، دین الهی، فرستاده الهی و معنویت، ارزش خود را از دست داده؛ جهت و مقصود زندگی گم شده است و در نگاه دینی این مسئله عامل اصلی اضطراب معنایی تلقی می‌شود. بشر امروزی دچار اضطراب می‌شود، چون از اصل و ریشه و معنا و مقصد آرامش بخش و به طور کلی از عالم تجرد و غیر محسوس یعنی خدا دور افتاده است.

و به دنبال این دوری خود ساخته از خدا، بشر معاصر به دنبال مأمی است که به آن پناه ببرد و دین به علت قابلیت‌های منحصر به فردش می‌تواند برای اضطراب معنایی و بیگانگی و سنت‌گریزی انسان و گریز و مبارزه با غوغا سالاری زندگی روزمره باشد.

اگر چه به تاریخ جهانی سازی و گرایش به آن برگردیم، ادیان زیادی وجود داشته‌اند که داعیه جهان شمولی و گسترش جهانی داشته‌اند. ادیان مختلفی چون مسیحیت، یهودیت، بودیسم، زرتشت و... همه در تلاش بوده‌اند تا براساس تعریفی که از قلمرو خود به عنوان ادیان ملی، محلی یا قومی داشته‌اند، پیروان خود را گسترش دهند. اما هر یک از این ادیان به علت فقدان ظرفیت و توان لازم نتوانستند به موفقیت کامل و نهایی دست پیدا کنند. مسیحیت و بودیسم نگاهی مثبت و رویکردی فعال نسبت به دنیا نداشتند و ندارند و به وسیله فرآیندهای عرفی شدن از عرصه عمومی حیات اجتماعی عقب رانده شده‌اند. هم چنین دین مسیحیت و یهودیت نیز همین گسترش محدود خود را به علت توسعه هژمونی غرب به دیگر مناطق به دست آورده‌اند و به همین دلیل نتوانسته‌اند رابطه‌ای مناسب با بشر امروزی برقرار کنند و پایدار بمانند.

دین اسلام نیز جزو ادیانی است که همواره نوید جهانی شدن و جهان شمولی و حاکمیت عدل و برابری و حق و تساوی و مهم‌تر از همه ظهور مهدویت در سراسر جهان را به بشر امروزی داده است.

دلایل و شواهد فراوانی در آیات قرآنی وجود دارد که بر جهان‌گرایی اسلام و تک‌مرجعی بودن آن یعنی خداوند صحه گذاشته و آن را اثبات می‌کند و با ظهور منجی عالم بشریت به طور کامل و تام به آن تحقق می‌بخشد.

« و نريد ان نمى على الذين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين » (سوره قصص، آیه ۶۰)

ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار می دهیم.

« یا ایها الناس اذکرو نعمه ا... علیکم هل من خالق غیر ا... یرزقکم من السماء و الارض لاله الا هو فانی توفکون » (سوره فاطر، آیه ۳)

ای مردم یاد آرید نعمت خدا را بر شما، آیا هست آفریننده‌ای جز خدا که روزی دهد شما را از آسمان و زمین، نیست خدایی جز او، پس کجا به دروغ رانده می شوید.

همچنین موارد زیادی وجود دارد که رسالت پیامبر در قرآن، رسالتی جهانی توصیف شده است:

« و ما ارسلناک الا کافر للناس بشیرا و نذیرا و لکن اکثر الناس لا یعلمون » (سوره سبا، آیه ۲۸)

ما تو را به پیامبری نفرستادیم مگر برای همه مردمان تا مژده دهنده باشی و بیم دهنده. لکن بیشتر مردم این حقیقت الهی و جاویدان را نمی دانند.

رتال جامع علوم انسانی

ویژگیها و قابلیت‌های دین اسلام

فارغ از شواهد و ادله قرآنی و روایی برای اثبات فراگیری و جهان گستری دین الهی اسلام، قابلیت‌ها و تواناییها و ویژگیهای منحصر به فرد این دین باعث گسترش و جذابیت و توجه بیشتر مخاطبان به آن شده است.

در این بحث به دو مورد از ویژگیهای دین اسلام که می تواند پاسخی مناسب برای رفع هر گونه اضطراب باشد، اشاره می شود.

هماهنگی و همسویی قوانین دینی با فطرت انسان

«فطرت»، فصل مشترک همه انسانهاست. فطرت همان الهام درونی است که نیاز به دلیل ندارد و انسان بدون استدلال و برهان آنها را می پذیرد و به آنها ایمان دارد. این الهامات، نیرومندتر از داوریهای خرد است و اصالتش بیشتر است؛ چون اینها ادراکات ذاتی و آنها معلومات اکتسابی هستند. (مکارم شیرازی: ۱۳۷۶، ۴۸)

حس مذهبی، حس زیبایی، حس راستی، حس نیکویی، حس قدرت طلبی، حس کمال خوانی و... صفاتی هستند که ریشه در فطرت و ذات انسانها دارند و انسانها براساس این امیال درونی در جهت پاسخ به آنها حرکت کرده و سعی می کنند آنها را ارضا کنند. انسانها تمایل به پرستش یک موجود بی انتها و یک مبدأ متعالی دارند، چون فطرت آنها این گونه امر می کند.

بشر در هر دوران و عصری که باشد به سمت مفاهیم اخلاقی چون عدالت و شهامت و فداکاری و الگوهای آنها حرکت می کند؛ چون می خواهد به حس نیکی موجود در فطرت خود پاسخ دهد. همچنین به دنبال کمال خواهی فطری اش که خود می تواند در میل نیرومند قدرت طلبی بروز پیدا کند، « به دنبال نوعی افزایش کمی یا کیفی و شکوفایی است و به دنبال آن است که چیزهایی را به دست آورد و بهره وجودیش بیشتر شود. » (مصباح یزدی: ۱۳۸۴، ۴۵)

علل و ریشه معلولهایی چون اضطرابهای ناشی از جهان گرایی مادی و البته پروژه جهانی سازی غربی، آمارهای مربوط به قاچاق زنان و بهره کشی ابزاری از آنان را می توان در میل کمال خواهی و قدرت طلبی انسان که به صورت نادرست تربیت شده است، یافت.

هیچ شکی وجود ندارد که انسانها برای رسیدن به زندگی برتر و رفاه بیشتر و قدرت افزون تر دست به هر کار و عملی می زنند. اما همواره این سؤال وجود دارد که چرا مصادیق قدرت طلبی انسانها در پاره‌ای موارد در بیراهه و کژ راهه انتخاب می شود؟

زنی که قدرت خود را نه در کنار عناصر بومی، محلی، بلکه در بردگی مدرن غرب به نظاره می نشیند. زنی که انسانیت را برای ذره ای قدرت و مقام دنیوی می فروشد و از آن دست می کشد و....

بنابراین علت اصلی اینکه انسانی میل به قدرت دارد و می خواهد بداند این قدرت چیست، انواع و چهره های مختلف قدرت کدامند؟ کدام یک از انواع قدرت بهتر است و از چه راهی می توان به آنها نائل شد و ناآگاهانه یا آگاهانه و به صورت غلط به سمت جلوه های پست قدرت دنیوی می رود را می توان در شناخت جستجو کرد.

در واقع تعلق انسان به مظاهر گوناگون قدرت، بستگی به درجات مختلف شناخت و معرفتی است که نسبت به مظاهر گوناگون قدرت دارد. (مصباح یزدی: ۴۷، ۱۳۸۴) تربیت صحیح امیال فطری چون کمال خواهی و قدرت طلبی و... و پیدا کردن شناخت و معرفت از قدرت یکتا و بی نهایت عالم وجود و تک مرجع جهانی شدن و یافتن مسیر صحیح می تواند از راه دین حاصل شود. زیرا « فطره ا... التی فطر الناس علیها لاتبدیل لخلق ا...، ذلک الدین القیم» (سوره روم، آیه ۳۰)

فطرتی است که خدا همه را بدان آفریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست و دین پاک و پایدار است. یعنی این دین با این فطرت هماهنگ و همسو است. بنابراین به آسانی و در پرتو تعالیم و هدایت‌های دین اسلام می توان زنگار های غفلت و فراموشی را از فطرت الهی زدود و تجلی قدرت الهی را در انسان به

تماشا نشست و در آن زمان عزت و احترام و استقلال حقیقی نیز برای انسان معنا پیدا می کند و انسان و بشر امروزی برای ارضای خود به هر سو کشانده نمی شود.

معنا بخشی به زندگی

دین و اعتقاد دینی، تلقی انسان را نسبت به جهان شکل می دهد. فرد معتقد به اصول دین، زندگی مادی دنیا را معنادار می بیند. برای خود هدفی را متصور می شود که باید در این زندگی به این هدف و مقصود دست یابد. بنابراین سعی می کند فرصتها را با آزمون و خطاهای راه های رسیدن به هدف، از دست ندهد. انسان دینی و معتقد با یادآوری زندگی پس از مرگ و جهان آخرت، زندگی دنیا را پوچ و سرگردان نمی بیند که هر بسته رنگین و زیبایی را بپذیرد و منفعلانه در برابر اهداف پروژه جهانی سازی قدم بردارد و به آن عمل کند. زیرا برای اجرای ارزشهای اخلاقی پشتوانه و پشتیبان و ضامن اجرایی می بیند که او را مجبور می کند در برابر انجام عملش پاسخگو باشد. بنابراین سعی می کند به بهترین انتخابها دست زند. او دیگر انتخاب و ایده آل خود را در مهاجرت برای رسیدن به استقلال بیشتر یا حراج کردن مقام و منزلت وجود اش برای یافتن خریداری برتر و دنیوی قرار نمی دهد. چون او برای انجام اعمالش معنا را در نظر گرفته است و همواره به پاسخ این سئوالها می اندیشد که به کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود؟ به کجا می روم آخر نمایی وطنم؟!

و به قول ژان فوراستیه « غرب کلید اصلی را گم کرده و برای باز کردن قفل این مسائل، کلیدی را که به این قفل نمی خورد مطرح می سازد و به کار می برد.

پاسخ این پرسشها که انسان کیست، زندگی چیست؟... را نه علم و نه فلسفه بلکه دین می دهد. (صالحی امیری: ۱۳۸۴، ۴۹)

نتیجه گیری

تأثیرات متعدد و متکثر پدیده جهانی شدن را با توجه به ویژگیهای عصر حاضر نمی توان انکار کرد. این پدیده هم می تواند آسیبها و هم ظرفیتهایی را با خود به دنبال داشته باشد که البته با توجه به پروژه یا پروسه بودن آن متفاوت خواهد بود. کشور های جهان سوم و کشورهای اسلامی و دارای فرهنگ عمیق و ریشه دار از نمونه کشورهایی هستند که بیشتر در معرض هدفهای سودجویانه سردمداران جهانی سازی قرار می گیرند و در میان گروه ها و طبقات اجتماعی، زنان به علت برعهده گرفتن جایگاه خاص اجتماعی و نقشهای حساس با آسیب پذیری بیشتر روبرو هستند.

این مقاله از میان تأثیرات و پیامدهای جهانی شدن، به طور خاص آثار جهان گرایی و ذهنیت جهانی شده و فرامحلی شدن دیدگاه ها و ارزشها و نگرشها و توسعه جامعه چند محوری را بر روی زنان مورد بررسی قرار داده است. اضطرابها و تشویشهایی که به علت ناهمگونی عقاید و برخورد فرهنگهای متضاد و متعارض با فرهنگ محلی ایجاد می شود و البته مسئله به همین جا پایان نمی یابد. بلکه تهدیدی جدی برای هویت و شخصیت و ارزش وجودی زنان تلقی می شود.

زنانی که بدون شناخت لازم و کافی و پشتوانه های معنوی و دینی، فریب ظاهر سازیها و زیباییهای چند روزه یکه تاز جهانی سازی یعنی غرب را می خوردند و تنها ذلت و ابزاری و کالایی شدن و محو شخصیت و کرامت انسانی و اضطراب فرهنگی و اجتماعی را با خود به ارمغان می آورند و مهم تر

اینکه زنان و به طور خاص زنان کشورهای جهان سوم برای دستیابی به امکانات برتر در هر زمینه ای و فراهم آوردن استقلال مادی به مهاجرت‌های غیر قانونی و وضعیت‌های بهره‌کشانه جنسی و اقتصادی تن می‌دهند.

و البته دین می‌تواند پاسخ مناسبی برای حل همه اضطرابها و پیامدهای ناخواسته جهانی شدن باشد. اسلام با ویژگی‌هایی چون هماهنگی با فطرت انسانی و معنا بخشی به زندگی، مسیر و راه درست زندگی را نشان می‌دهد و بشر سردرگم را به سوی مقصد و مبدأ متعالی و بی‌نهایت که سرمنشأ همه عزتها و استقلالها و نیکیها است، رهنمون می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع فارسی

- ۱- تاملینسون، جان، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱
- ۲- توکلی، پیامد جهانی شدن بر زنان، بازتاب اندیشه در مطبوعات روز ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ص ۶۳-۶۷ آبان ۱۳۸۲
- ۳- رادپی، ع. جهانی سازی، تعریف، تاریخ و مبانی فکر و فلسفی آن، جهان شمولی اسلام و جهانی سازی، ج ۱.
- ۴- دهشیار، ح، جهانی شدن تکامل و فرآیند برون برای ارزشها و نهادهای غربی، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۷۹.
- ۵- شیروودی، م، نگاهی به جایگاه زن در عصر باستان، اسلام، غرب و جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مربیان، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه سپاه، ص ۹۶-۱۱۹، ش ۱۸، زمستان ۱۳۸۴
- ۶- عاملی، س ر، جزوه درس جهانی شدن، ۱۳۸۵
- ۷- کاستلز، م (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز.
- ۸- مصباح یزدی، م. ت (۱۳۸۴)، اخلاق در قرآن، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ج ۲.
- ۹- مکارم شیرازی، ن (۱۳۷۶) حکومت جهانی مهدی (عج)، ج ۸، قم
- ۱۰- صالحی امیری، م (۱۳۸۴) کارکرد های دین، فصلنامه مربیان، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، صص ۴۲-۵۳

11- www.sharghnewspaper.com